

ادبیات داستانی در ایران

پهلوی اول: از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰
با تأکید بر سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

سید رنجبر عمرانی

کتابخانه پادشاهی نژاد



۱۳۹۷

ادبیات داستانی در ایران

پهلوی اول: از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰
با تکیه بر سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

نویسندگان: حمیرا رنجبر عمرانی و کامران پارسی نژاد

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی، پژوهش‌های ادبیات داستانی ایران

اداره مرکزی و مرکز پخش

خیابان نلسون ماندلا (افرید)، پلاک ۲۵، کوچه کمان،
کدپستی: ۱۷۳۶۳۱۳، صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۷۰ - ۸۸۷۷۴۵۶۹، فکس: ۸۸۷۷۴۹۷۲

تلفن مرکز پخش: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸، تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴

آدرس اینترنتی: www.elmifarhang.ir، info@elmifarhang.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com

سرشناسه: رنجبر عمرانی، حمیرا

عنوان و نام پدیدآور: ادبیات داستانی در ایران: پهلوی اول از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ با تکیه بر سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

فرهنگی / حمیرا رنجبر عمرانی، کامران پارسی نژاد.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: چهارده، ۱۷۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۵۵۲-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: این کتاب با همکاری شعر و ادبیات داستانی ایران انجام شده است.

موضوع: داستان‌های فارسی — ایران — قرن ۱۴ — تاریخ و نقد

موضوع: Persian Fiction -- Iran -- 20th century -- History and Criticism

Fiction -- Authorship -- History

موضوع: ایران — تاریخ — پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰

Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1941

شناسه افزوده: پارسی نژاد، کامران، ۱۳۴۲ -

رده‌بندی کنگره: ۴ ۱۳۹۶ الف ۹/۳۸۶۹ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۰۳/۶۲۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۳۹۳۴۷

فهرست

مقدمه	۴
فصل اول: گرایش به سادگی در ذرة قاجار	۱
فصل دوم: سیر تحول نثر ادبی در ایران	۲۱
اعزام دانشجوی به خارج	۲۵
صنعت چاپ	۲۷
مطبوعات	۲۹
تأسیس دارالترجمة ناصری	۳۰
سفرنامه‌نویسی	۳۳
تأسیس مدارس جدید	۳۳
تئاتر و نمایش	۳۵
طنز	۳۸

فصل سوم: نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره پهلوی اول	۴۱
تغییرات اجتماعی و طبقاتی در دوران پهلوی	۴۴
ارتش	۴۶
طبقه کارمند	۴۸
شکل‌گیری طبقه جدید کارگر	۴۹
رشد شهرنشینی	۴۹
تحولات فرهنگی	۵۰
تغییر لباس و کلاه حجاب	۵۰
سازمان پرورش انکار	۵۲
تحول در نظام آموزش و پرورش	۵۳
تأسیس دانشگاه بهران	۵۳
باستان‌گرایی	۵۴
انجمن آثار ملی	۵۵
فرهنگستان	۵۵
فصل چهارم: دگرپرسی ادبیات داستانی در دوره پهلوی دوم	۵۷
فصل پنجم: رمان اجتماعی (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش)	۷۳
فصل ششم: رمان تاریخی (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش)	۷۴
منابع	۱۷۱

مقدمه

سالیان درازی در شکل‌گیری و قوام ادبیات داستانی در ایران می‌گذرد. در طی سالیان متمادی، آثار بی‌شماری در حوزه ادبیات داستانی خلق شده است. در غرب رسم بر این است که دست‌کم پس از گذشت ده سال از وقوع حوادث مهمی همچون جنگ جهانی اول و دوم، انقلاب صنعتی، ظهور کمونیسم و... آثار ادبی مطرح و قابل قبولی خلق می‌شود و بالطبع، پس از آن است که تحلیل‌گران پژوهشگران ادبیات جسارت می‌یابند روند تولید آثار ادبی را به‌بوته نقد بیاورند. گونه‌بندی و دست‌یازیدن به جریان‌ها و مکاتب ادبی با توجه به شکل‌گیری ویدادهای مهم تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود در حلقه مهم دیگری است که همواره مورد عنایت صاحب‌نظران ادبیات و مخاطبان این وادی بوده و خواهد بود؛ ولی در خلال شکل‌گیری آثار داستانی، منتقد و پژوهشگری به گونه‌بندی مکتب‌ها و هویت‌شناسی در این عرصه نپرداخته است. آن‌چنان‌که می‌بینیم، جریان پست‌مدرنیسم هنوز به‌طور جدی به وادی مکاتب ادبی در غرب راه نیافته و در منابع اصلی و کتب معتبر غربی وارد نشده است.

در اوضاع کنونی، ادبیات داستانی در ایران باید ضمن ترسیم حقایق پیرامون ما، محملی برای طرح اندیشه‌ها و تجارب ناب و بدیع باشد و بتواند با ساختاری مستحکم، طرحی نو دراندازد و مضامین مهم و ارزشمند را مطرح کند. در حال حاضر، از ادبیات داستانی بیش از هر زمان توقع می‌رود تا بسیار مقتدرانه نقش آفرینی کند و در جامعه ادبی جریان‌ساز باشد. بر این اساس، نویسندگان ادبیات داستانی باید با غییروش خود در ساختار و بن‌مایه‌های آثارشان، نواقص کار خود را رطرف کنند؛ این امر میسر نمی‌شود، مگر با ریشه‌یابی تاریخی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی، و درنهایت تعیین نحله‌ها و جریان‌های ادبی. درواقع، شناسایی و ارزیابی موشکافانه ادبیات داستانی می‌تواند در بروز جریان‌های نوین و سرنوشت‌ساز این حوزه و سایر حوزه‌ها اثرگذار باشد. بی‌شک، شناخت نحله‌ها و جریان‌های ادبی می‌تواند تأثیر بسزایی در شکل‌گیری آثار قوام‌یافته داشته باشد.

در غرب، روند ارزیابی و تحلیل جریان‌های ادبی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در زمان مناسب، به‌درستی و با دقت نظر انجام می‌شود؛ اما متأسفانه، در ایران تاکنون به‌شناسایی مکاتب ادبی ایران، و ارزیابی موشکافانه تاریخ ادبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توجهی نشده است. در نتیجه، اهالی قلم و ادیبان به‌اشتباه با استناد به مکاتب ادبی غرب به بررسی آثار ایرانی می‌پردازند. این اوصاف، پس از گذشت یکصد سال و اندی لازم می‌نماید تا مورد تردید و شکل‌گیری ادبیات داستانی و زیرگروه‌هایش همچون اسطوره‌ها، افسانه، حکایت، رمان، داستان بلند، داستان نیمه‌بلند، داستان کوتاه و داستان کوتاه کوتاه در بستر تاریخ با دقت و ریزبینی خاصی مورد ارزیابی موشکافانه قرار بگیرند تا از این رهگذر، مکاتب و جریان‌های ادبی را از ابتدای پیدایش آن در ایران تبیین و مشخص کرد. گفتنی است که در این راستا تمام داستان‌ها، اسطوره‌ها، افسانه‌ها و حکایات باید مطالعه و بررسی شود.

شوریه‌خانه، در ایران مدتی است تب تند گریه‌برداری و تقلید از نحله‌های ادبی غرب دامن‌گیر نویسندگان و داستان‌نویسان شده است. این گرایش بیش از همه طرح و اسکلت‌بندی داستان را دگرگون کرده است. پیروان مکاتب ادبی مدرن در غرب، همچون مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، بر این باورند که داستان‌نویس هنگام خلق اثر نیازمند تدارک طرحی منسجم و بی‌نقص نیست. آن‌ها بیشتر دوست دارند در داستان خود عناصری همچون شخصیت، حادثه، زمان و مکان را به بازی بگیرند و خواننده را در لامکان‌ها و لازمان‌ها سرگردان نگه دارند. در نهایت، ایده و مضمون خاصی را طرح نکنند. بسیاری از صاحب‌نظران ادبی بر این اصل تأکید می‌کنند که بروز شرایط نامناسب سیاسی، بحران‌های اقتصادی، و ظهور دیکتاتوری فاشیسم، نازیسم و کمونیسم عامل اصلی بحران ادبی و خلاقیت در غرب بوده است. این در حالی است که در ایران چنین رویدادهای عظیمی رخ نداده است. تمام این حوادث باعث شده تا ناویسنده غربی دچار ناامیدی شود. بروز حس شرمندگی و ندامت باعث شده تا غالب نویسندگان به موجزنویسی روی آورند و از بیان حقایق تلخ روزگار خود پرهیزند؛ از این رو، به چنین نحله‌هایی روی آوردند تا اندیشه خود را در پس شیوه‌های نوظهور پنهان سازند. اما نویسندگان ایرانی با چنین رویدادهایی روبه‌رو نشدند؛ ایران همچون اروپا شاهد دو جنگ جهانی و بیش‌تر وی کمونیسم در اروپا نبود و با تجربه صنعتی شدن و بحران‌های عظیم اقتصادی اروپا نیز مواجه نشد. با این حال، برخی از نویسندگان، بی‌اطلاع از اهمیت اصلی چنین نحله‌هایی، اقدام به تقلید کرده و می‌کنند. عاملی که با این کار، خود را از بستر جامعه و فرهنگ ملی و بومی دور می‌کنند. به زعم برخی تحلیل‌گران، بروز جریان روشن‌فکری در ایران و گاه ناتوانی در ارائه داستان‌هایی قدرتمند با نظام بیرونی و درونی قوی، عامل اصلی گرایش برخی داستان‌نویسان دگراندیش به غرب و نحله‌های غربی شده است؛ زیرا با برهم زدن طرح اصلی داستان یعنی نادیده

گرفتن عناصر اصلی آن همچون زمان، مکان، شخصیت و... سعی می کردند ضعف های خود را پنهان سازند.

جدای از آنچه بیان شد، نظام و ساختار داستان باید به گونه ای تدوین شود که بتواند تصویری سنجیده و باورپذیر از ساحت هستی و رویدادهای جذاب و مهم پیرامون انسان ها ارائه دهد. همچنین، داستان ها، بتوانند به غور اندیشه های آدمی راه یابند، از نهانخانه وجود آدمی خبر دهند و ژرفاها را بکاوند. در پشت داستان می توان ساختمان استواری را اندیشه را بنا کرد و به آسانی مسائل سیاسی، نظامی، اجتماعی، روان شناختی، فرهنگی و دینی را در درازنای زمان و تاریخ آشکار نمود و به سنجش بنیادانه و عقلانی دست یازید. در این میان، هیچ چیز نمی تواند دانش نویسنده را از آشکارسازی باورها و تجربیات خاصش در این ژانر ویژه ادبی بازدارد.

ادبیات داستانی در کشور ما جدا از تمام فرازونشیب هایش، دچار نوعی سردرگمی است. در گذشته تصور می شد ادبیات داستانی می تواند روندی روبه رشد داشته باشد و براساس رابطه علت و معلولی گام های سودمندی بردارد، در دوره معاصر چهار نوعی سرگشتگی است. نویسندگان ادبیات داستانی در این بهانه به رستی نمی توانند راه صواب را از ناصواب تشخیص دهند. پیدایش همین عدم گستری ها و چالش هایی به نداشتن شناخت صحیح و اصولی داستان نویسان از عرصه ادبیات داستانی، خاصه مکاتب و جریان هایی ادبی شکل گرفته در بستر جامعه ایرانی، باز می گردد که به نوعی بی ارتباط با زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در کشور نیست.

از این رو، ضرورت مرور و ارزیابی تاریخ ادبیات داستانی کشور در کنار تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی و... احساس می شود تا ضمن مشخص کردن روند شکل گیری رویدادهای مختلف در عرصه های گوناگون، سنجش موشکافانه ای در این زمینه انجام شود و در نهایت، برای رفع نواقص کار راهکارهای مناسب ارائه شود. باید

به این نکته مهم توجه کرد که رویدادهای فرهنگی، ادبی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوندی اندام‌وار با هم دارند و هر رویدادی می‌تواند بر سایر موارد اثر بگذارد. بر این اساس، یکی از وظایف پژوهشگر این عرصه شناسایی روند شکل‌گیری رویدادها و اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است. بی‌شک، شکل‌گیری ادبیات داستانی متأثر از رویدادهای مختلف ذکر شده است و به تبع، ادبیات داستانی نیز بر هریک از این رویدادها اثر گذار است.

بنابراین، ضروری است روند شکل‌گیری ادبیات داستانی معاصر - که نامبرده مالزاده مصادف بوده - تا دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی تحلیل و ارزیابی شود. در این دوران، ایران شاهد حوادث مهم و سرنوشت‌ساز بود، که تحلیل رویدادهای تاریخی، اجتماعی و سیاسی می‌تواند در ارزش‌سنجی و ارزیابی ادبیات داستانی در ایران مفید واقع شود. نکته تأمل‌برانگیز این است که تاکنون تحلیل‌گران ادبیات داستانی به نقد و بررسی ادبیات داستانی در کنار رویدادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نپرداخته و زمینه مناسب تاریخی و شکل‌گیری نحله‌های ادبی را فراهم نکرده‌اند؛ از این رو، لازم است در بدو امر، تحلیلی تاریخی از آغاز شکل‌گیری حکومت پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی ارائه شود. در تحلیل تاریخ سیاسی دوران پهلوی، ضمن بررسی گوناگونی رویدادهای مهم تاریخی، شرایط مناسب برای واکاوی سایر حوزه‌های علوم انسانی همچون ادبیات، اقتصاد و علوم اجتماعی فراهم می‌شود. بی‌شک، تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شرایط لازم برای ارزیابی به‌روزی ادبیات داستانی و تحلیل اندیشه‌ها و باورهای خالقان داستان فراهم می‌سازد. بدین منظور بهتر است علل و عوامل خلق انواع داستان‌ها به‌طور دقیق سنجیده شود. همچنین، زندگی و باورهای نویسندگان داستان، اثرپذیری از محیط پیرامونشان، و اثرگذاری بر جامعه، جریان‌ها و سایر نویسندگان باید به‌بوته نقد سپرده شود. ضمن اینکه آثار مهم و ارزشمند خلق شده در دوره پهلوی و انقلاب اسلامی مورد ارزیابی ساختاری و

محتوایی نیز قرار گیرد. در مجموع، آگاهی از روند شکل‌گیری و قوام ادبیات داستانی با تکیه بر رویدادهای عظیم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند هم برای نویسندگان این حوزه مفید باشد و هم برای مخاطبان و علاقه‌مندان داستان؛ زیرا در این گستره عظیم معمولاً جریان‌های انحرافی و گاه اشتباه ممکن است ادبیات داستانی را از مسیر اصلی خود خارج کند و تأثیرات مخربی برجای گذارد.

در پایان، شایسته است از زحمات آقایان محمد حسنی و مهدی حزلی که ریاست بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان را بر عهده داشته‌اند، قدردانی کنم.